

# قرآن

## مهر پایان بروحی

(بسط ناپذیری وحی)

مصطفی کریمی

مقدمه

از جمله مباحث ضروری در باب وحی و قرآن، یافتن پاسخ این پرسش است که آیا وحی (به معنای گرفتن حقایق یا جملات از خداوند به وسیله پیامبر، رای هدایت بشر، که با هبوط حضرت آدم علیه السلام بر زمین آغاز شد)، با نزول آخرین آیه قرآن کریم و رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پایان یافت، یا مرکز این نوع ارتباط قطع نشده و پس از پایان نزول قرآن کریم نیز افراد دیگری از این نوع ارتباط و دریافت برخوردارند؟ چنانکه برخی از محققان غیرمسلمان نیز اذعان دارند،<sup>(۱)</sup> مسلمانان قرآن را آخرین کتاب و آخرین مرحله وحی خداوندی تلقی می‌کنند و وحی را پایان یافته می‌دانند.<sup>(۲)</sup> حتی برخی از اندیشمندان مسلمان بر این باور ادعای اجماع کرده<sup>(۳)</sup> و بعضی دیگر آن را از ضروریات اسلام شمرده‌اند.<sup>(۴)</sup>

### دلایل پایان وحی با نزول آخرین آیه قرآن

مسئله پایان وحی عقلی نیست و هیچ دلیل عقلی بر این موضوع دلالت ندارد که پس از قرآن کریم، دیگر وحی فرود نخواهد آمد! اما دلایل نقلی، دلالت بر این مطلب دارد. آیات و روایاتی که در این باب سخن گفته‌اند، نه تنها هیچ اشاره‌ای به آمدن وحی پس از قرآن ندارد،<sup>(۵)</sup> بلکه پایان وحی قرآنی را همراه با اختومه شدن دفتر وحی اعلام کرده‌اند؛ از جمله آیه ذیل حضرت محمد صلی الله علیه و آله را آخرین پیامبر خداوندی می‌خوانند:

﴿مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا﴾

(احزاب: ۴۰)؛ محمد پدر هیچ یک از مردان شما

نیست، ولی فرستاده خدا و خاتم پیامبران است.

«خاتم» از «ختم» به معنای پایان‌دهنده است.<sup>(۶)</sup> و به آن

دلیل، به مهر، «خاتم» گفته می‌شود که پس از تمام شدن نامه، بر

آن می‌نهند. حضرت محمد صلی الله علیه و آله در این آیه، «خاتم النبیین» یعنی

پایان‌دهنده سلسله انبیا معرفی شده که پایان‌دهنده رسولان نیز

هست؛ زیرا نبی حامل خبری غیبی از طرف خداست، ولی رسول علاوه بر مقام رسالت، نبی نیز هست. پس با پایان نبوت، رسولی هم نخواهد آمد. (۷) بنابراین، پس از نبی مکرم اسلام ﷺ، پیامبری نخواهد آمد تا بر او وحی شود.

روایات علاوه بر پایان نبوت به حضرت محمد ﷺ، قرآن را مهر پایان وحی می خوانند؛ از جمله، حضرت علی علیه السلام می فرماید: «أُرْسِلُهُ عَلَى حِينِ فِتْرَةٍ مِنَ الرُّسُلِ وَ تَنَازُعٍ مِنَ الْأَلْسِنِ فَقَفَى بِهِ الرُّسُلُ وَ خَتَمَ بِهِ الْوَحْيَ»؛ (۸) خداوند او (حضرت محمد ﷺ) را در زمان فترت (زمان خالی بودن جهان از پیامبران و وجود) تنازع زبان ها فرستاد و وحی را با او به پایان رساند.

مرحوم کلینی با سند صحیح (۹) نقل کرده است که امام صادق علیه السلام می فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ - عَزَّ ذِكْرُهُ - خَتَمَ نَبِيِّكُمْ النَّبِيِّينَ، فَلَا نَبِيَّ بَعْدَهُ أَبَدًا، وَ خَتَمَ بِكِتَابِكُمْ الْكُتُبَ، فَلَا كِتَابَ بَعْدَهُ أَبَدًا»؛ (۱۰) خداوند - که یادکردش گرامی باد - پیامبران را به پیامبر شما و کتاب های آسمانی را به کتاب شما پایان داد و پس از آن کتابی نیست.

آیه و روایات بیان شده دلالت دارند بر اینکه نبوت به حضرت محمد ﷺ و وحی به قرآن کریم پایان یافته است.

اشکال و پاسخ: ممکن است گفته شود: پیروان کتاب های آسمانی دیگر نیز کتاب خود را آخرین مرحله وحی می دانند و به همین دلیل، به پیامبر و کتاب بعدی ایمان نمی آورند. برخی از آنها به این مطلب تصریح هم کرده اند؛ مثلاً، مسیحیان بر این باورند که وحی در حضرت عیسی علیه السلام نهایی شده و پایان یافته است. پل تیلیخ می گوید:

ما در تصویر عیسی به عنوان مسیح، دارای تصویر انسانی هستیم که ... می تواند وسیله وحی نهایی نامیده شود. (۱۱)

پاسخ این است که اولاً، صرف ادعای پیروان یک کتاب آسمانی کفایت نمی کند، بلکه باید خود پیامبر و کتاب آسمانی چنین ادعایی داشته باشد. حضرت عیسی علیه السلام نه تنها مدعی نبود که نبوت و وحی به وی پایان یافته است، بلکه از برخی عبارات کتاب مقدس، بشارت حضرت عیسی علیه السلام بر پیامبر پس از او استفاده می شود. (۱۲) حضرت موسی علیه السلام نیز نه تنها خود را آخرین پیامبر نخوانده است، بلکه به مردم رسانده که خداوند پس از وی پیامبری برخواد انگیزت:

نبی ای را برای ایشان از میان برادران ایشان مثل تو مبعوث خواهم کرد و کلام خود را در

دهانش خواهم گذاشت. (۱۳)

البته در خصوص مصداق این بشارت، بین اندیشمندان مسیحی و مسلمان اختلاف است؛ مسیحیان مصداق آن را حضرت عیسی علیه السلام می دانند (۱۴) و مسلمانان شواهد متعددی آورده اند که ویژگی های «پیامبر موعود» در این عبارت، تنها بر حضرت محمد ﷺ تطبیق می شود. (۱۵)

ثانیاً، پیامبر اکرم ﷺ برای اثبات نبوت و ارتباط وحیانی خود با خدا، معجزات متعددی (۱۶) ارائه داده اند که در عمل، ادعای پایان وحی یا کتاب های آسمانی پیشین را باطل ساخت. از همه مهم تر، وحی آن حضرت - یعنی قرآن - خود معجزه جاوید است (۱۷) و او برای اثبات اعجاز خود، تحدی کرده، از همگان می خواهد اگر در الهی بودن آن شک دارند، با همکاری فکری و معنوی، همانند قرآن، (۱۸) ده سوره (۱۹) و یا یک سوره مانند سوره های آن بیاورند. و در نهایت، از عجز دایمی انسان ها و جنیان از هماوردی خبر می دهد:

«قُلْ لَئِنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا» (نساء: ۸۸)؛ بگو اگر انس و جن گرد آیند تا نظیر این قرآن را بیاورند مانند آن را نخواهند آورد، هر چند برخی از آنها پشتیبان برخی (دیگر) باشند.

به رغم اینکه راه برای هماوردی همواره باز بوده تاریخ نیز نشان نمی دهد کسی همانند قرآن را آورده باشد و یا سخنی بیاورد که خود معجزه باشد و یا با معجزه دیگری اثبات کند که آنچه آورده، وحی است.

### نادرستی ادعای بسط پذیری وحی

با وجود دلایل متعدد درباره پایان نزول وحی پس از قرآن کریم - که گذشت - کسانی با تحلیل وحی به تجربه دینی پیامبر، بسط پذیری وحی و تکامل آن پس از پیامبر اکرم ﷺ را مطرح کرده اند. در این باره آمده است:

اینک در غیبت پیامبر هم باید تجربه های درونی و بیرونی پیامبران بسط یابند و بر غنا و فریبی دین بیفزایند. عارفان که به طفیل ذوق پیامبر ﷺ ذوق می کنند... بر غنای تجربه های دینی ما می افزایند. (۲۰)

تجربه های دینی و وحیانی البته همچنان باقی است. (۲۱)

ایشان حتی چند فرقه شدن مسلمانان را نیز موجب تکامل دین می دانند:

فرقه فرقه شدن مسلمین را هم از این دیدگاه

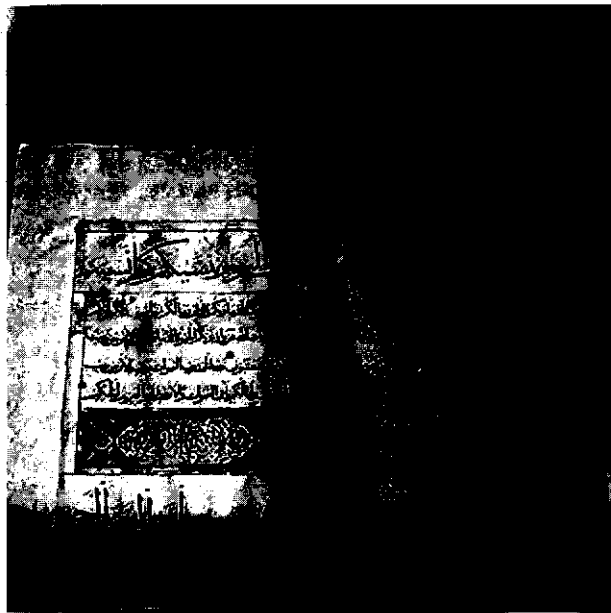
باید دید... مکتبی که در زد و خورد و داد و ستد پدید آمده، با داد و ستد و زد و خورد ادامه پیدا می‌کند و بسط می‌یابد و بر غنای تجارب خود می‌افزاید. (۲۲)

اگر مقصود از این سخنان آن است که به رغم پایان نبوت، کسانی دریافتی از سنخ دریافت پیامبران دارند و آنچه را پیامبر اکرم ﷺ آورده‌اند فریبهش می‌کنند، چنین ادعایی درست نیست؛ زیرا:

اولاً، آیات و روایات بیان شده دربارهٔ پایان وحی بر بطلان اعتقاد به بسط‌پذیری وحی دلالت دارد.

ثانیاً، تحلیل تجربی از وحی، که مبنای این سخن به شمار می‌آید، نادرست است و وحی تجربه دینی نیست که دیگران نیز بتوانند از آن بهره‌مند باشند.

ثالثاً، بر فرض صحت تجربه انگاشتن وحی، میان تجربه پیامبر و معصوم یا تجربه کسان دیگر تفاوت بسیار است. تجارب دینی پیامبران مصون از خطاست، ولی چنانکه صاحب دیدگاه مزبور ادعان دارد تجارب دیگران خطا پذیر بوده و جز برای صاحبش حجت نیست.



امروز سخن هیچ کسی جز پیامبر برای ما حجت تعبیدی دینی نیست. (۲۳)

عارفان نیز تجربه‌شان... مطلقاً برای هیچ کس دیگر حجت محسوب نمی‌شود؛ همچون هر دستاورد انسانی دیگر، می‌تواند معروض نقد و تکمیل واقع شود. (۲۴)

روشن نیست چگونه می‌توان با اعتقاد به تفاوت فاحش میان تجربه پیامبر و تجربه دیگران و عدم حجیت سخن هیچ کس جز پیامبر، به بسط‌پذیری وحی پیامبر باور داشت؟

رایعاً، این ادعا با سخنان دیگر نویسنده نیز در تعارض است که اعتراف دارد: قرآن کریم آخرین مرحله وحی خداوندی است:

ما آسوده خاطریم که نهایی‌ترین پیام وحی را دریافت کرده‌ایم و خداوند آخرین سخن خود را با ما در میان نهاده است. (۲۵)

خامساً، آنچه فریه می‌شود معرفتی از وحی است، نه خود وحی فرود آمده؛ زیرا آیات و روایات بر کمال اسلام و وحی قرآنی دلالت دارد؛ از جمله قرآن می‌فرماید:

﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾ (مائده: ۳)؛ امروز دین شما را برایتان کامل و نعمت خود را برای شما تمام گردانیدم و اسلام را برای شما (به عنوان) آیینی برگزیدم.

همهٔ مفسران - صرف نظر از اختلاف اندک در برخی مباحث - در دلالت آیه شریفه بر کمال اسلام، همسخن هستند. (۲۶) چنان‌که صاحب سخن مزبور ادعان دارد، (۲۷) کمال هر چیزی درحاصل شدن تمام اجزا و آثار مطلوب و اهداف اصلی و فرعی آن است؛ (۲۸) مراد از کمال اسلام هم این است که تمام اجزا و همهٔ اغراض و آثار آن حاصل شده است. (۲۹) قسمت دوم آیه، که به تمام کردن نعمت الهی اشاره دارد، دلالت دارد بر اینکه تمام آنچه نعمتی از سنخ وحی و دین است، بر شما بیان گردیده است.

آنچه گذشت مطابق با این سخن است که کمال هر چیز را در حصول تمام اجزای آن بدانیم. اگر کمال را وصف وجودی حاکی از غنای حقیقی یک موجود در مقایسه با موجود دیگر فرض کنیم، دلالت آیه «اکمال» بر پایان وحی روشن تر خواهد بود؛ زیرا در این صورت، هر دین و کتاب آسمانی نسبت به پیشین خود، کامل تر بوده و وحی نازل شده داریم رو به کمال است، تا آنجا که تمام معارف و قوانین متضمن سعادت انسان‌ها را در برداشته باشد و دیگر نیازی به آمدن وحی نباشد. (۳۰)

روایات متعددی نیز بر اکمال اسلام به نزول قرآن کریم اشاره دارد؛ از جمله حضرت علی رضی الله عنه می‌فرماید:

«وَأَنْزَلَ عَلَيْكُمُ الْكِتَابَ تَبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ وَ عَمَرَ فِيكُمْ نَبِيَّهُ أَرْمَانًا، حَتَّى أَكْمَلَ لَهُ وَ لَكُمْ فِيمَا أَنْزَلَ مِنْ كِتَابِهِ، دِينَهُ الَّذِي رَضِيَ لِنَفْسِهِ»؛ (۳۱) و خداوند قرآن را، که بیان‌کنندهٔ هر چیز است، بر شما فرو فرستاده و پیامبر خویش را روزگاری میان شما زندگی داد، تا با آیه‌هایی که در کتاب خود نازل نموده، و دین مورد پسند خویش را برای او و شما کامل گرداند.

بنابراین، پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای برخوردار شدن دیگران از سنخ معرفت وحیانی و بسط‌پذیری وحی، جایی باقی نمی‌ماند.

۴۲

پاسخ‌گویی قرآن به حداکثر نیاز و حیانی انسان‌ها  
 دلایل کمال اسلام طبق فرضی که کمال وصف وجودی حاکی از  
 غنای حقیقی یک موجود در مقایسه با موجود دیگر باشد، دلالت بر  
 این دارد که قرآن به عنوان آخرین مرحله وحی الهی، پاسخ به  
 حداکثر نیاز و حیانی انسان‌هاست، نه حداقل آن. علاوه بر این،  
 آیات و روایت مربوط به جامعیت قرآن نیز بر این امر دلالت  
 می‌کنند. آیات متعددی درباره جامعیت قرآن کریم مطرح است. در  
 ذیل، به دو آیه که دلالت آنها بر جامعیت قرآن مورد اتفاق و یقینی  
 است، اشاره می‌شود: (۳۲)

آیه اول:

﴿ مَا كَانَ حَدِيثًا يُفْتَرَىٰ وَلَٰكِن تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ  
 يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ كُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّعَالَمٍ  
 يُؤْمِنُونَ ﴾؛ (یوسف: ۱۱۱)؛ [قرآن] سخنی نیست  
 که به دروغ ساخته شده باشد، بلکه تصدیق آن  
 چیزی (از کتاب‌هایی) است که پیش از آن بوده  
 و روشنگر هر چیز است و برای مردمی که  
 ایمان می‌آورند رهنمود و رحمتی است.

این آیه مربوط به جامعیت قرآن کریم است؛ زیرا از کتابی  
 سخن می‌گوید که دروغ نیست و تصدیق دیگر کتاب‌های الهی  
 است. در آیات متعدد، قرآن این‌گونه وصف شده است. (۳۳) از جمله  
 می‌فرماید:

﴿ وَ مَا كَانَ هَذَا الْقُرْآنُ أَنْ يُفْتَرَىٰ مِنْ دُونِ اللَّهِ  
 وَلَٰكِن تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ ﴾ (یونس: ۳۷)

آیه دوم:

﴿ وَ يَوْمَ نَبْعَثُ فِي كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا عَلَيْهِمْ مِنْ  
 أَنْفُسِهِمْ وَ جِئْنَا بِكَ شَهِيدًا عَلَىٰ هَؤُلَاءِ وَ نَزَّلْنَا  
 عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَ هُدًى وَ رَحْمَةً  
 وَ بُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ ﴾ (نحل: ۸۹)؛ و به یاد آور  
 روزی را که در هر امتی گواهی از خودشان  
 برایشان برانگیزیم و تو را هم بر این امت گواه  
 آوریم و این کتاب را، که روشنگر هر چیزی  
 است و برای مسلمانان رهنمود و رحمت و  
 بشارتگر است، بر تو نازل کردیم.

این آیه نیز بر گستردگی محتوای قرآن کریم دلالت دارد؛ زیرا از  
 عبارت ﴿ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ ﴾ استفاده می‌شود که مراد از  
 «کتاب»، قرآن نازل شده است، نه آنچه در «ام الكتاب» یا «لوح  
 محفوظ» قرار دارد.

روایات بسیاری نیز بر جامعیت قرآن کریم دلالت دارد: (۳۴) از  
 جمله، مرحوم کلینی با سند صحیح (۳۵) نقل کرده است که امام  
 صادق علیه السلام فرمودند:

﴿ إِنَّ اللَّهَ - عَزَّ وَ جَلَّ - ... خَتَمَ بِكِتَابِكُمُ الْكُتُبَ فَلَا

كِتَابَ بَعْدَهُ أَبَدًا وَ أَنْزَلَ فِيهِ تَبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَ  
 خَلَقَكُمْ وَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ نَبَأَ مَا  
 قَبْلَكُمْ فَضَلَّ مَا يَبَيِّنُكُمْ وَ خَبَرَ مَا بَعْدَكُمْ وَ أَمَرَ  
 الْجَنَّةَ وَ النَّارَ وَ مَا أَنْتُمْ صَائِرُونَ إِلَيْهِ؛ (۳۶) خداوند  
 - که یادش گرامی باد - کتاب‌ها [ی آسمانی] را  
 به کتاب شما [قرآن] پایان داد و کتاب  
 [آسمانی] بعد از قرآن نخواهد بود و در آن  
 [قرآن] بیان همه چیز را فرو فرستاده است:  
 آفرینش شما و آفرینش آسمان‌ها و زمین خبر  
 پیش از شما و [وسیله] قضاوت میان شما و  
 خبر بعد از شما و امر بهشت و جهنم و آنچه  
 بدان نیاز دارید.

همچنین در محاسن برقی آمده است که امام صادق علیه السلام  
 فرمودند:

﴿ إِنَّ اللَّهَ - عَزَّ وَ جَلَّ - أَنْزَلَ فِي الْقُرْآنِ تَبْيَانًا لِّكُلِّ  
 شَيْءٍ حَتَّىٰ وَ اللَّهِ مَا تَرَكَ اللَّهُ شَيْئًا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ  
 الْعِبَادُ حَتَّىٰ مَا يَسْتَطِيعُ عَبْدٌ يَقُولُ: لَوْ كَانَ فِي  
 الْقُرْآنِ هَذَا إِلَّا وَ قَدْ أَنْزَلَهُ اللَّهُ فِيهِ؛ (۳۷) خداوند  
 شکست‌ناپذیر و والامقام در قرآن کریم بیان  
 هر چیزی را فرود آورده است، حتی به خدا  
 قسم! خداوند از چیزی که بندگان بدان  
 نیازمندند در آن فروگذار نکرده است، تا  
 بنده‌ای نتواند بگوید: کاش این در قرآن کریم  
 می‌بود! جز اینکه خداوند در آن فرو فرستاده  
 است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در بیان آنچه خداوند از میان پیامبران، فقط  
 به او داده است، می‌فرماید:

﴿ أَوْ تَبَيَّنَتْ جَوَامِعُ الْكَلِمِ ﴾؛ (۳۸) به من جوامع دانش  
 (گنجینه‌های معرفت) داده شد.

دانشمندان مسلمان با عنایت به این آیات و روایات، به  
 جامعیت محتوای قرآن معتقدند. کسانی مانند ابن مسعود (۳۹) و  
 ابو حامد غزالی (۴۰) قرآن را دربردارنده تمام احکام و علوم  
 می‌دانند، و بعضی از دانشمندان قرآن را با دلالت اشاره‌ای (۴۱) یا با  
 دلالت باطنی، (۴۲) بیانگر همه چیز شمرده‌اند. قدر متیقن این است  
 این آیات و روایات دلالت دارد بر اینکه حداکثر آنچه را پیامبر برای  
 هدایت انسان‌ها بدان نیاز دارد، در قرآن کریم آمده است. (۴۳)

حضرت امام خمینی ره قرآن کریم را تجلی جامع الهی  
 دانسته، می‌فرماید:

چون نبوت ختمیه و قرآن شریف و شریعت آن  
 سرور از مظاهر و مجالی، یا از تجلیات  
 ظهورات مقام جامع احدی و حضرت اسم الله

الاعظم است، از این طریق، محیط‌ترین نبوت... و جامع‌ترین آنهاست؛ اکمل از آن تصور نشود؛ آخرین ظهور کمال علمی که مربوط به شرایع است. (۴۴)

### قرآن: وحی جاویدان

آیات و روایات متعددی دلالت دارند بر اینکه قرآن کریم، که آخرین مرحله وحی الهی است، جاودانه و تا ابد راهنمای مردم خواهد بود.

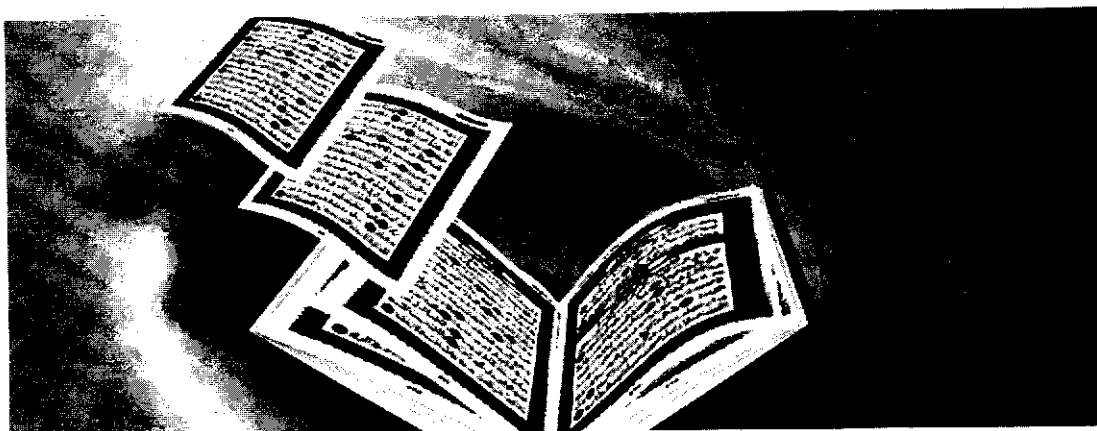
#### الف. آیات قرآن

۱. آیه‌ای که با صراحت، جهانشمولی دعوت قرآن را بیان کرده، اختصاص آن را به مخاطبان عرب و یا هر قوم و گروه خاصی نفی می‌کند:

﴿وَأَوْحَىٰ إِلَيْنَا هَذَا الْقُرْآنَ لِأُنذِرَكُمْ بِهِ وَمَنْ بَلَغَ﴾  
(انعام: ۱۹)؛ و این قرآن به من وحی شده است تا با آن، شما و هر که را (که این پیام) به او برسد، بیم دهم.

بنابراین، هنگامی نزول وحی پایان یافت که حداکثر نیاز و حیاتی بشر با نزول قرآن به آخرین پیامبر الهی، حضرت محمد ﷺ برآورده شد. در نتیجه، درست نیست کمال مطرح شده در آیه اکمال را حداقلی بدانیم و بگوییم:

آن آیه کریمه که می‌فرماید: ﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ﴾ (مانده: ۳) ناظر به اکمال حداقلی است... اما حداکثر ممکن در تکامل تدریجی و بسط تاریخی بعدی اسلام، پدید خواهد آمد. (۴۵)



۲. آیاتی که رسالت قرآن را برای «جهانیان» و یا «مردم» می‌داند؛ مانند: (۵۰)

- ﴿إِنَّ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ﴾ (انعام: ۹۰)؛ آن (قرآن) جز یادآوری برای جهانیان (چیز دیگری) نیست.  
- ﴿شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ...﴾ (بقره: ۱۸۵)؛ ماه رمضان که در آن قرآن فرو فرستاده شده که رهنمودی برای مردم... است.

۳. آیاتی که با تعبیر «یا ایها الناس» و یا «یا بنی آدم» تمام آدمیان را مورد خطاب قرار داده، آنان را به عمل به دستورات الهی دعوت می‌کند تا به راه درست هدایت شده، رستگار گردند؛ مانند:

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾ (بقره: ۲۱)؛ ای مردم پروردگارتان را که شما و پیشینیان شما را آفریده، بپرستید، باشد که پرهیزگار شوید.  
﴿يَا بَنِي آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُم مِّنَ الْجَنَّةِ﴾ (اعراف: ۲۷)؛ ای فرزندان آدم! مبادا شیطان فریبتان دهد؛ چنان‌که پدر و مادرتان را از بهشت بیرون کرد.

۴. آیاتی که قرآن را وسیله بیم‌دهی به همه انسان‌های زنده و

زیرا این سخن بر خلاف آیات و روایات مربوط به جامعیت قرآن و حتی سخن دیگر مدعی است که در آن به روشن‌فکران و دین‌داران توصیه می‌کند که به آنچه دین بیان کرده است، اکتفا کنند؛ چرا که اگر خدا می‌خواست قطعاً می‌توانست بسی بیش از آنچه اکنون به دست ما رسیده است، به ما برساند. (۴۶)

#### راز پایان وحی به قرآن کریم

حال این پرسش رخ می‌نماید که چرا در یک مقطع زمانی خاص، با نزول قرآن کریم، دفتر وحی بسته شد؟ سرّ این امر چندان روشن نیست و قرآن و روایات سخنی در این باب ندارند، ولی می‌توان گفت: پس از نزول قرآن، عوامل تجدید وحی و نبوت منتفی شده است. (۴۷) پایان وحی از یک سو، به توانایی بشر بر دریافت برنامه کلی زندگی و ترویج و تبلیغ آن و قدرت اجتهاد و استخراج فروع از اصول و حضور امام معصوم علیه السلام در میان مردم مربوط می‌شود، و از سوی دیگر، به سلامت وحی نهایی (قرآن کریم) از تحریف (۴۸) و جامعیت این دفتر معرفت خداوندی (۴۹) که می‌تواند به تمام نیازهای بشر در گستره زمان و مکان پاسخ گوید، به همین دلیل، قرآن کریم علاوه بر جامع بودن - که پیش‌تر بدان اشاره شد - جاودانه نیز هست.

یا زنده دل می داند:

﴿إِنَّ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ وَقُرْآنٌ مُبِينٌ لِيُنذِرَ مَنِ كَانَ حَيًّا﴾ (یس: ۶۹-۷۰)؛ این (کتاب) نیست، جز یادآوری (و پندی) و قرآنی روشن (یا روشنگر)، تا هر که را که زنده دل است، بیم دهد.

اشکال و پاسخ: ممکن است ظاهر برخی آیات قرآن در نگاه اولیه، بر اختصاصی بودن دعوت قرآن به گروه خاصی دلالت داشته باشد، که لازمه اش نزول وحی پس از قرآن برای پاسخ گویی به نیازهای انسان های دیگر است؛ از جمله:

۱. آیه ای که هدف نزول قرآن کریم را بیم دادن اهل مکه و اطراف آن و گروه خاص (۵۱) اعلام می کند:

﴿وَهَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ... وَلِيُنذِرَ أُمَّ الْقُرَى وَمَنْ حَوْلَهَا﴾ (انعام: ۹۲)؛ و این کتاب... را فرو فرستادیم تا مردمان مکه و اطراف آن را بیم دهی.

۲. آیه ای که به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمان می دهد نزدیکان خود را بیم دهد:

﴿وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ﴾؛ (شعراء: ۲۱۴)؛ و خویشان نزدیکت را بیم ده.

۳. آیاتی که قرآن را هدایتگر و بشارت دهنده پرهیزگاران، نیکوکاران و تسلیم شوندگان در برابر احکام الهی معرفی می کند:

- ﴿ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ﴾ (بقره: ۲ و ۳)؛ آن کتاب، که در آن تردیدی نیست،

رهنمودی برای پرهیزگاران است.

- ﴿وَوَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ... هُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَى لِّلْمُسْلِمِينَ﴾ (نحل: ۹)؛ و کتاب را بر تو

فرو فرستادیم... و رهنمود و رحمتی برای تسلیم شوندگان است.

- ﴿هَذَا كِتَابٌ مُّصَدِّقٌ... بُشْرَى لِّلْمُحْسِنِينَ﴾ (احساف: ۱۲)؛ این کتابی تصدیق کننده... و بشارتی برای نیکوکاران است.

پاسخ این است که این آیات مخصص و مقید آیات مربوط به جاودانگی قرآن نیستند؛ زیرا:

اولاً، تخصیص زدن آیات عام به آیات بیانگر اهداف خاص و محدود (انذار خویشان پیامبر و یا بت پرستان مکه)، تخصیص اکثر بوده و برخلاف فصاحت و بلاغت آیات قرآن است.

ثانیاً، حمل عام بر خاص در جایی رواست که یکی از دو دلیل مثبت و دیگری منفی باشد، در حالی که این دو گروه از آیات هر دو مثبت هستند.

ثالثاً، برخی از این آیات بیانگر مراحل گوناگون دعوت آن

حضرت است. به طور طبیعی پیامبر باید نخست دعوت خویش را با نزدیکان شروع کند که او را به صداقت می شناختند و سپس به تمام مردم دیار خود و اطراف آن و در نهایت، به مناطق دیگر تعمیم دهد. در روایات نیز آمده است: حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله پس از نزول آیه ﴿وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ﴾ (شعراء: ۲۱۴)؛ خویشاوندان خود را جمع کرده، فرمودند:

«إِنَّ الرَّائِدَ لَا يَكْذِبُ أَهْلَهُ وَاللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ خُصُوصاً وَ إِلَى النَّاسِ عَامَةً»؛ (۵۲) سرپرست به اهل خود دروغ

نمی گوید. قسم به خدایی که جز او معبودی نیست! من فرستاده خدا برای شما خصوصاً، و

برای تمام مردم عموماً هستم.

رابعاً، دلالت آیه ﴿وَلِيُنذِرَ أُمَّ الْقُرَى وَمَنْ حَوْلَهَا﴾ (انعام: ۹۲)؛ بر اختصاص رسالت قرآن به منطقه خاص قطعی نیست؛ زیرا طبق روایات «دحو الارض»، پیدایش زمین از کعبه و مکه و سپس بقیه نقاط جهان بوده (۵۳) و اطراف مکه شامل تمام

قسمت های زمین می شود.

خامساً، آیاتی که قرآن را هدایتگر انسان های پاک و پرهیزگار می خواند، دلالت دارد، بر اینکه این افراد به دعوت قرآن کریم پاسخ می گویند و در نتیجه، از هدایت آن بهره مند می شوند. (۵۴)

#### ب. روایات

روایاتی نیز بر جاودانگی شریعت محمدی صلی الله علیه و آله و قرآن کریم دلالت دارند؛ مثلاً حضرت امام رضا علیه السلام فرمودند:

«شَرِيعَةُ مُحَمَّدٍ لَا تُنْسَخُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ»؛ (۵۵)

شریعت محمد صلی الله علیه و آله، تا روز قیامت نسخ نخواهد شد.

#### پایان وحی نه قطع ارتباط خدا با انسان

در انتهای سخن، یادآوری این نکته بجاست که پایان وحی به معنای قطع هرگونه ارتباط معنوی خداوند با انسان نیست. دلایل و شواهد نشان می دهد به رغم پایان وحی، کسانی با خداوند ارتباط معنوی دارند و از این طریق، به فهم حقایق راه می یابند.

در باور صحیح اسلامی و شیعی، زمین هیچگاه از حجت و پیشوای الهی خالی نبوده (۵۶) و طبق حکمت خداوندی پس از ختم نبوت و پایان وحی، باید در میان مردم، همواره شخصی معصوم از خطا و متصل به علم الهی باشد تا هدایت انسان ها و تفسیر صحیح وحی را بر عهده بگیرد؛ چرا که اگر چنین کسانی نباشند، هدف نبوت و نزول وحی حاصل نخواهد شد و این به دور از حکمت خداوندی است. بدین روی، پس از تعیین حضرت علی علیه السلام به امامت توسط حضرت محمد صلی الله علیه و آله، با نزول آیه

این باور علاوه بر عقل، از پشتوانه آیات و روایات نیز برخوردار است. قرآن کریم می فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾ (نساء: ۵۹)؛ ای

کسانی که ایمان آورده اید! خدا را اطاعت کنید و پیامبر و اولیای امر خود را (نیز) اطاعت کنید.

این آیه پیروی مطلق از افرادی غیر از خدا و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را مطرح می کند. در صورتی پیروی مطلق از کسی جایز است که وی معصوم باشد. (۵۸) بدین روی، قرآن کریم در آیه دیگر، از عصمت برخی افراد خبر می دهد:

﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾ (احزاب: ۳۳)؛ خدا

می خواهد آلودگی را فقط از شما خاندان (پیامبر) بزداید و شما را پاک و پاکیزه گرداند.

روایات متعددی در تفسیر این دو آیه از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است که تمام آنها مصداق هر دو عبارت «أولی الامر» و «اهل بیت» را امامان معصوم شیعه علیهم السلام معرفی می کنند. (۵۹)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز در مواقع متعدد، به امامان پس از خود اشاره داشته اند؛ از جمله، در حدیث مشهور «ثقلین» فرمودند:

﴿إِنِّي تَرَكْتُ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ مَا إِنْ مَسَّكُمُ بَهِمَا لَنْ تَضِلُّوا بَعْدِي وَ أَحَدُهُمَا أَكْبَرُ مِنَ الْآخَرِ:

کتاب الله حبل ممدود من السماء إلى الأرض و عترتی اهل بیتی، ألا و آنها لَنْ یفترقا حتی یردا علی الحوض»؛ (۶۰) من در میان شما، دو شیء

گران بها و گذاشتم. مادام که به آن دو چنگ بزنید، هرگز پس از من گمراه نمی شوید؛ یکی از دیگری بزرگتر است: کتاب خدا که ریسمانی

کشیده شده از آسمان به زمین است؛ فرزندانم، خاندانم. آگاه باشید که آن دو از هم جدا

نخواهند شد تا در حوض (کوثر) بر من وارد شوند.

بنابراین، امامان معصوم علیهم السلام به رغم پیامبر نبودن، حجت خدا برای مردم هستند و سخنشان برای همه حجت است. پس درست نیست گفته شود:

امروز سخن هیچ کسی جز پیامبر برای ما حجت تعبیدی دینی نیست؛ چون حجیت و ولایت دینی از آن پیامبر است و بس. (۶۱)

امامان معصوم علیهم السلام در صورتی می توانند جانشینان واقعی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله باشند که از علم الهی برخوردار باشند. روایات از این نوع ارتباط به «الهام و تحدیث» (۶۲) یاد می کند و امامان

معصوم علیهم السلام را ملهم و محدث می خواند؛ از جمله، زراره گوید: از حضرت باقر علیه السلام شنیدم که می فرمود:

دوازده امام از آل محمد صلی الله علیه و آله، محدث هستند. (۶۳)

### پی نوشت ها

- ۱- ر.ک. جان دیون یورت، عذر تقصیر به پیشگاه محمد و قرآن، ترجمه سید غلامرضا سعیدی، ج دوم، تهران، شرکت نسبی محمدحسین اقبال، ۱۳۳۵ ش، ص ۷۷.
- ۲- ر.ک. سید محمدباقر صدر، الموجز فی اصول الدین، تحقیق عبدالجبار الرفاعی، ص ۲۲۲-۲۲۳.
- ۳- شیخ مفید نوشته است: «من اجماع المسلمین انه لا وحی لاحد بعد نبینا صلی الله علیه و آله». (محمد بن نعمان العکبری، الاعتقادات، قم، المجمع لاهل البيت، ۱۴۱۳، ص ۱۲۱).
- ۴- ر.ک. محمدتقی مصباح، راهنماشناسی، قم، مرکز مدیریت حوزه علمیه، ۱۳۶۷، ص ۲۶۷.
- ۵- اگر غیر از این بود می بایست قرآن کریم به آمدن کتاب آسمانی دیگر بشارت می داد. طبق بیان قرآن، خداوند از انبیای خویش پیمان گرفته است که پیامبر پس از خود را از هر جهت یاری کند: ﴿وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْتُكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَ حِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَ لَتَنْصُرُنَّهُ قَالَ أَأَقْرَرْتُمْ وَ أَخَذْتُمْ عَلَيَّ ذَلِكُمْ إِحْسَرَى قَالُوا أَقْرَرْنَا قَالَ فَاشْهَدُوا وَ أَنَا مَعَكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ.﴾ (آل عمران: ۸۱) یقیناً کارآمدترین مصداق «یاری» بشارت به آمدن ایشان است که زمینه پذیرش در مردم را فراهم می کند.
- ۶- ر.ک. ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ماده «ختم» / ابن منظور، لسان العرب، ماده «ختم».
- ۷- سید محمدحسین طباطبائی، المیزان، قم، جامعه مدرسین، ج ۱۶، ص ۳۴۵-۳۴۶.
- ۸- نهج البلاغه، خطبه ۱۳۳.
- ۹- ر.ک. محمدباقر مجلسی، مرآة العقول، ج سوم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۸، ج ۳، ص ۱۵۷.
- ۱۰- محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، تهران، منشورات کتب الاسلامیه، ج ۱، ص ۲۶۹.
- ۱۱- بل تبلیغ، الهیات سیستماتیک، ترجمه حسین نوروزی، تهران، حکمت، ۱۳۸۱، ص ۱۹۰-۱۹۱.
- ۱۲- در انجیل آمده است: «اگر مرا دوست دارید، احکام مرا نگاه دارید و من از پدر سؤال می کنم و او [فارقلیطا] تسلی دهنده دیگر به شما اعطا خواهد کرد تا همیشه با شما بماند...» (یوحنا، ۱۴: ۱۵-۱۷). نیز در این باره ر.ک. یوحنا، ۱۴: ۱۵ و ۱۴: ۲۵-۲۹ و ۱۵: ۲۶-۲۲) انسلیشمنندان مسلمان معتقدند: حضرت عیسی علیه السلام به آمدن «پارقلیطا» (که به زبان سریانی بوده و معرب آن «فارقلیط» است) بشارت داده است. نویسنده انجیل یوحنا آن را به «pericytos» (پریکلیتوس) در زبان یونانی ترجمه کرد که به معنای بسیار ستوده و عربی آن «احمد» یا «محمد» است که مصداق آن یقیناً حضرت محمد صلی الله علیه و آله است؛ ولی در انجیل های نگارش یافته پس از اسلام، این واژه را از ریشه «paracytos» (پاراکیلیتوس) به معنای تسلی دهنده، یعنی «روح القدس» گرفته اند که پس از حضرت عیسی علیه السلام برای تسلی حواریان نزد آنان آمد. معادل آن را در ترجمه های انگلیسی، واژه «Advocate» آورده اند. (ر.ک. مورس بوکای، تورات، انجیل، قرآن و علم، ترجمه ذبیح الله دبیر، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۸، ص ۱۲۸).

- ۱۳- سفر تنبیه، ۱۸: ۱۹ و نیز ر.ک. سفر تنبیه، ۱۸: ۱۵.
- ۱۴- مثلا، آمده است: «او عیسی مسیح را، که از اول برای شما اعلام شده بود، بفرست... زیرا موسی به اجداد گفت که خدای شما نبی مثل من از میان برادران شما برای شما برخواهد انگیخت.» (کتاب اعمال رسولان، ۱۹: ۳ و ۲۲. برای اطلاع بیشتر از

انتظار یهود به آمدن مسیح، ر.ک. جولوس کریستون، انتظار مسیحا در آیین یهود، ترجمه حسین توفیقی، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، (۱۳۷۷).

۱۵- ر.ک. رحمة الله خلیل الرحمان الهندی، اظهار الحق، مکتبه الثقافة الیونیه، ص ۱۶۰-۱۹۹ / پروفیسور عبدالاحد داود، محمد ﷺ در تورات و انجیل، ترجمه فضل الله نیک آیین، تهران، نشر نو، ۱۳۶۱.

۱۶- برخی منابع ۳۵ معجزه برای حضرت محمد ﷺ نقل کرده اند. ر.ک. محمد صالح مهندس، معجزات الرسول الکریم سیدنا محمد، حلب، دارالرضوان.

۱۷- ر.ک. محمدتقی مصباح، قرآن شناسی، تحقیق و نگارش محمود رجبی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۷۶، ص ۱۲۴-۱۹۰.

۱۸- ر.ک. طور: ۳۳ و ۳۴.

۱۹- ر.ک. هود: ۱۳.

۲۰- عبدالکریم سروش، بسط تجربه نبوی، تهران، صراط، ۱۳۷۹، ص ۲۵.

۲۱- همان، ص ۱۱۷.

۲۲- همان، ص ۲۶.

۲۳- همان، ص ۲۷. نیز آورده است: «تجربه های پیامبران معتدی اند، تکلیف آوردند و عمل آفرین.» (همان، ص ۱۳۳ و نیز ر.ک. ص ۱۴۴).

۲۴- همان، ص ۱۴۲.

۲۵- همان، ص ۱۱۵.

۲۶- برای اطلاع بیشتر، ر.ک. تفاسیر، ذیل آیه ۳ سوره مائده، به ویژه سید محمدحسین طباطبائی، پیشین، ج ۵، ص ۲۰۹-۲۹۱ / عبدالحسین احمد الامینی، الغدیر، قم، مرکز الغدیر للدراسات الاسلامیه، ۱۴۱۶ ق، ج ۲.

۲۷- عبدالکریم سروش، مدارا و مدیریت، تهران، صراط، ۱۳۷۶، ص ۲۷۴ / همو، «دین اقلی و اکثری»، مجله کیان، ش ۴۱، ص ۸.

۲۸- ر.ک. ابن منظور، پیشین، ج ۱۲، ص ۱۵۶ / ابوالقاسم الراغب الاصفهانی، معجم مفردات الفاظ القرآن، ماده «کمل»، ص ۲۵۹ / محمدتقی عمر فخرالدین الرازی، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، بیروت، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۱۱ ق، ج ۳۲، ص ۴۷.

۲۹- سید محمدحسین طباطبائی، پیشین، ج ۵، ص ۱۹۲.

۳۰- همان، ج ۵، ص ۱۳۴.

۳۱- نهج البلاغه، ترجمه سید جعفر شهیدی، خطبه ۸۶. نیز ر.ک. همان، خطبه ۱۸ و ۱۸۳.

۳۲- در مورد سه دیگر اختلاف است که عبارتند از: ﴿مَا قَرَّلْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ﴾ (انعام: ۳۸)؛ ﴿وَلَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ﴾ (انعام: ۵۹)؛ ﴿أَفَقَبَّرَ اللَّهُ ابْنَيْ حَكَمًا وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ إِلَيْكُمُ الْكِتَابَ مُفَصَّلًا﴾ (انعام: ۱۱۴) این اختلاف در مورد آیات ۳۸ و ۵۹ از اینجا ناشی می شود که مراد از «کتاب» در این دو آیه، قرآن کریم است یا لوح محفوظ و علم خدا، که اگر مراد، قرآن کریم باشد، هم مضمون با دو آیه ۱۱۱ سوره یوسف و ۸۹ سوره نحل خواهند بود. (ر.ک. سید محمدحسین طباطبائی، پیشین، ج ۷، ص ۸۱ و ۱۲۹ / محمدتقی محمدالزمشتری، الکشاف فی تفسیر القرآن، قم، البلاغ، ۱۴۱۵ ق، ج ۲، ص ۲۱ و ۳۱) و اختلاف نظر در مورد آیه ۱۱۴ سوره انعام ناشی از این است که «مفصلاً» را به معنای روشن و غیرمختلط بودن احکام و معارف آن بگیریم و یا همانند مرحوم طبرسی به معنی بیان کننده تمام مایحتاج بشر بدانیم (ر.ک. ابی علی الفضل بن الحسن الطبرسی، مجمع البیان، ج ۲، ص ۳۵۳) که در این صورت، این آیه نیز هم مضمون آیات ۸۹ سوره نحل و ۱۱۱ سوره یوسف می شود.

۳۳- در مورد دروغ نبودن قرآن، ر.ک. هود: ۱۳. به مصدق بودن قرآن در بیش از ۱۶ آیه اشاره شده است؛ از جمله، بقره: ۴۱ و ۸۹ و احقاف: ۱۲.

۳۴- قریب نوزده روایت در تفسیر نورالثقلین، علی بن جمعه حویزی، قم، اسماعیلیان، ۱۳۷۳، ج ۳، ص ۷۴-۷۷ آمده که تعدادی از آنها صحیح السند است.

۳۵- محمدباقر مجلسی، پیشین، ج ۳، ص ۱۵۷.

۳۶- محمدتقی یعقوب کلینی، پیشین، ج ۱، ص ۲۶۹.

۳۷- احمد بن محمد بن خالد البرقی، المحاسن، النجف، المطبعة الحیدریه، ۱۳۸۴ ق، ج ۱، ص ۲۶۷. شبیه این روایت در اصول کافی، ج ۱، ص ۵۹ آمده است.

۳۸- محمد محمدتقی ری شهری، میزان الحکمه، ج سوم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۳۷۱ ش، ج ۴، ص ۳۲۰۲، ح ۱۹۸۹.

۳۹- ر.ک. محمدتقی جریر طبری، جامع البیان فی تفسیر آی القرآن، بیروت، دار ابن کثیر، ۱۴۲۰، ج ۱۴، ص ۹۰.

۴۰- ابوحامد الغزالی، جواهر القرآن، ص ۸ ولی غزالی در احیاء علوم الدین معتقد است: در قرآن کریم، به اصول و کلیات علوم اشاره شده است. ر.ک. احیاء علوم الدین، ج ۱، ص ۲۸۹.

۴۱- سید محمدحسین طباطبائی، پیشین، ج ۱۲، ص ۳۳۴.

۴۲- ر.ک. عبدالله جوادی آملی، پیشین، ج ۱، ص ۲۲۶.

۴۳- ر.ک. نگارنده، قرآن و قلمروشناسی دین، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۲۳۳-۲۶۵.

۴۴- امام خمینی، آداب الصلوة (آداب نماز)، ج دوم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۲، ص ۳۱۰-۳۰۹.

۴۵- عبدالکریم سروش، بسط تجربه نبوی، ص ۲۴.

۴۶- همان، ص ۱۱۲.

۴۷- ر.ک. محمدتقی مصباح، راهنماشناسی، ص ۳۸۵-۳۸۱.

۴۸- در مسود عدم تحریف، ر.ک. محمدهادی معرفت، صیانة القرآن عن التحریف، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۳ ق.

۴۹- در باب جامعیت قرآن کریم، ر.ک. محمدعلی ایازی، جامعیت قرآن، رشت، کتاب مسین، ۱۳۷۸ / نگارنده، قرآن و قلمروشناسی دین، ص ۲۳۵-۲۶۴.

۵۰- نیز مانند: فرقان: ۱ / نساء: ۷۹ / انبیاء: ۱۰۷ / سبأ: ۲۸.

۵۱- مانند: قوم سرسخت. (ر.ک. مریم: ۹۷) کسانی که برای خدا به فرزند معتقدند. (ر.ک. مریم: ۱ و ۴) مردمی را بیم دهی که پیش از تو بیم دهنده ای برای آنان نیامده است. (ر.ک. سجده: ۲ و ۳).

۵۲- ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ ق، ج ۱، ص ۵۸۵.

۵۳- مثلاً، امام صادق علیه السلام فرمودند: خداوند - عزوجل - زمین را از زیر کعبه تا منا گستراند، سپس آن را از منا تا عرفات و آنگاه از عرفات تا منا گسترش داد. بنابراین، زمین از عرفات و عرفات از منا و منا از کعبه است. (محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۷، ص ۲۰۳. نیز در این باره ر.ک. عبدعلی جمعه حویزی، پیشین، ج ۵، ص ۵۰۱).

۵۴- ر.ک. محمدتقی مصباح، قرآن شناسی، درس دهم.

۵۵- شیخ حرّ عاملی، وسائل الشیعه، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۱۴ ق، ج ۱۸، ص ۵۵۵، ح ۱۷.

۵۶- ر.ک. محمدتقی یعقوب کلینی، پیشین، ج ۱، کتاب «الحجه»، باب های «ان الارض لا تخلو من حجة» و «انه لم یبق فی الارض الا رجلا لکان احدهما الحجة».

۵۷- همان، باب «نص الله - عزوجل - ورسوله علی الائمة واحد فواحد» / عبدالحسین احمد الامینی، پیشین، ج ۱، ص ۴۴۸ و ج ۲، ص ۱۶۴-۱۶۵ / سید محمدحسین طباطبائی، پیشین، ج ۵، ص ۱۸۳-۱۹۴.

۵۸- ر.ک. سید محمدحسین طباطبائی، پیشین، ج ۴، ص ۴۲۷-۴۱۲.

۵۹- ر.ک. عبدعلی بن جمعه حویزی، پیشین، ج ۲، ص ۴۹۷-۵۰۷ و ج ۴، ص ۴۹۷-۵۰۸.

۶۰- محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۲۳، ص ۱۰۶، ب ۷.

۶۱- عبدالکریم سروش، بسط تجربه نبوی، ص ۲۷ و نیز ر.ک. ص ۱۱۵.

۶۲- در این باره ر.ک. محمدتقی یعقوب کلینی، پیشین، ج ۱، کتاب «الحجه»، باب «ان الائمة علیها السلام المحدثون و المفهمون» و باب «الفرق بین الرسول و النبی و المحدث».

۶۳- محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۲۶، ص ۸۱.